

در موضوع مهدویت یکی از پرسش‌هایی که همواره مطرح شده، زمان آغاز ظهور حضرت مهدی به عنوان آخرین ذخیره الهی است. به گونه‌ای که تاریخچه این سؤال به سال‌ها قبل از تولد آن حضرت باز می‌گردد.

همواره ائمه معصومین علیهم‌السلام به عنوان روشنگران طریق هدایت پاسخ این پرسش را به عنوان یکی از اسرار الهی یاد آور شده‌اند و علم به وقت ظهور را ویژه خداوند متعال، ذکر و کسانی را که برای قیام آن حجت الهی وقت معین کنند، را دروغگو معرفی کرده‌اند.

در روایت مشهوری است که وقتی شاعر بلند آوازه شیعی «دعبل خزاعی» در محضر هشتمین پیشوای شیعیان در ضمن قصیده خود سخن از ظهور و قیام حضرت مهدی بر زبان جاری ساخت آن حضرت در حالی که سرشک از دیدگانش جاری بود، رو به دعبل کرده فرمودند: «ای خزاعی همانا روح القدس بر زبانت این دو بیت را جاری ساخت آیا می‌دانی این امام کیست و چه زمانی قیام می‌کند؟»

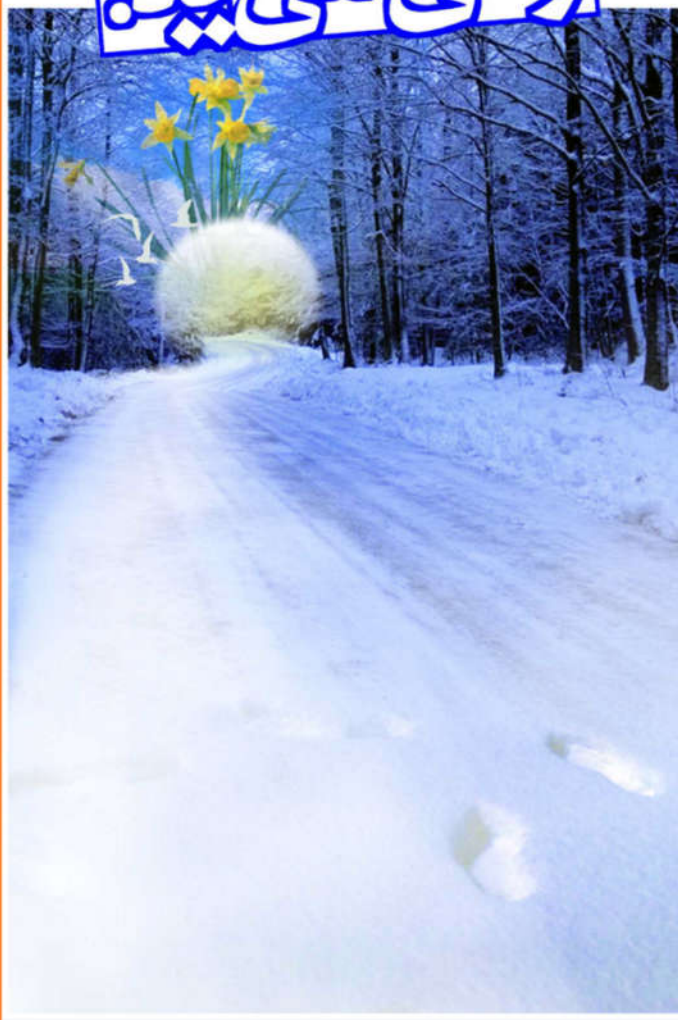
آنگاه خود آن حضرت به معرفی آن امام پرداختند. سپس درباره زمان ظهور چنین فرمود: «و اما درباره اینکه چه زمانی ظهور خواهد کرد، پدرم از پدرش و ایشان از پدرانش از رسول گرامی اسلام نقل کرده‌اند که وقتی از آن حضرت پرسیده شد چه زمانی قائم از ذریه شما ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: مثل او مثل قیامت است که خداوند درباره زمان وقوع آن چنین فرمود: «هیچ کس جز او به هنگامش آن را آشکار نمی‌سازد این امر بر اهل آسمان‌ها و

زمین دشوار است [قیامت] جز ناگهان به سراغ شما نمی‌آید» (۱) از آنجایی که حضرت مخفی بودن زمان ظهور را همانند زمان قیامت و رستاخیز قلمداد فرموده است، می‌توان به نتایج ذیل دست یافت.

... با مخفی بودن قیامت یک نوع آزادی عمل برای همگان پیدا می‌شود و از سوی دیگر چون وقت آن دقیق معلوم نیست و در هر زمانی احتمال وقوع آن وجود دارد، نتایجش حالت آماده باش دائمی است و همین طور درباره قیام حضرت مهدی (عج) است چرا که اگر تاریخ قیام آن حضرت تعیین می‌شد، هرگاه زمانش دور بود، همه در غفلت و غرور و بی خبری فرو می‌رفتند و هرگاه زمانش نزدیک بود ممکن بود آزادی عمل را از دست بدهند و اعمالشان جنبه اجباری به خود بگیرد.

خداوند سلیمان

او کی می‌آید؟



... همانگونه که علم به زمان قیامت فقط در اختیار خداوند است، علم به زمان ظهور حضرت مهدی نیز در عهده خداوند است به علاوه در سخنان فراوانی از ائمه معصومین علیهم‌السلام وقتی سخن از قیام حضرت مهدی رانده شده، از قیامت نیز یاد شده است و از این رو برخی ویژگی‌های آن همانند رستاخیز بزرگ و قیامت است. (۲)

از آنجایی که خداوند در ادامه آیه مذکور، علم به قیامت را حتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز منتفی می‌داند، آنجا که فرموده است: «از تو می‌پرسند چنانکه گویا تو از چون و چند آن آگاهی، بگو همانا علم آن با خداوند است».

و حتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خود امام زمان نیز از زمان دقیق ظهور آگاهی ندارند و اینکه متأسفانه عده‌ای به خود جرأت داده، به راحتی تعیین وقت

ظهور می‌کنند، خود محل تأمل است. نه تنها این سؤال از اولین معصومین علیهم‌السلام پرسیده شده که آخرین معصوم علیه‌السلام نیز در جواب، چنین پاسخ فرمود: «و اما ظهور فرج همانا در اختیار و علم الهی است و دروغ گفتند وقتگذاران» (۳)

و هم آن حضرت در آخرین توقیع خود به آخرین سفیر، ظهور را تنها در اراده و اختیار خداوند دانسته، چنین می‌فرماید:

«و ظهوری نخواهد بود مگر آنگاه که خداوند تبارک و تعالی اجازت فرماید» (۴)

از آنچه اشاره شد به خوبی به دست می‌آید که زمان آغاز ظهور، یکی از اسرار الهی است و دست اندیشه و فکر بشر از رسیدن به آن سخت کوتاه است.

و دیگر اینکه این امر خطیر، ناگهانی و غیر

قابل پیش‌بینی صورت می‌پذیرد.

حضرت علی علیه‌السلام در این باره فرمودند: «مهدی از ما اهل بیت است که خداوند امر (فرجش) را در یک شب اصلاح فرماید» (۵)

و در روایاتی چند ظهور آن حضرت به آمدن شهاب تشبیه شده است و غیر منتظره بودن شهاب، بسیار واضح است.

امام باقر علیه‌السلام پس از بیان غیبت حضرت مهدی (عج) فرمود: «... او همانند شهابی شعله‌ور فرا خواهد رسید» (۶)

و نیز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره فرمودند: در آن هنگام چون شهابی فروزان خواهد آمد» (۷)

البته آنچه گفته شد بدین معنا نیست که به کلی بحث زمان ظهور در روایات مورد اشاره قرار نگرفته، چرا که با بررسی روایات درباره زمان ظهور علاوه بر آنچه ذکر شد به موارد ذیل می‌توان دست یافت که بیانگر نوعی تعیین وقت فی الجمله است و نه به صورت دقیق:

۱- روایاتی که ظهور حضرت مهدی را در روز جمعه ذکر کرده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام در این باره فرمود: «و قائم ما اهل بیت در روز جمعه ظهور خواهد کرد» (۸)

۲- روایاتی که روز ظهور را مصادف با روز عاشورا ذکر کرده‌اند.

امام باقر علیه‌السلام در ضمن فرمایشاتی درباره روز عاشورا فرمودند:

«و این روز [عاشورا] روزی است که در آن قائم (عج) قیام خواهد کرد» (۹)

۳- روایاتی که ظهور حضرت مهدی را در سال فرد ذکر کرده است.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «قائم ظهور نمی‌کند مگر در سال فرد» (۱۰)

اما هیچ یک از موارد فوق دلالتی بر تعیین وقت ظهور ندارد. حال ممکن است به ذهن متبادر شود که اگر خود امام نیز از زمان ظهور بی اطلاع است، پس چگونه هنگامی که اراده الهی به ظهور تعلق گرفت آگاه خواهد شد؟

در این باره نیز روایات فراوانی است که با بیان بخشی از آن‌ها این نوشتار را به پایان می‌بریم.

۱- آگاه شدن از طریق الهام.

بدون شک ائمه معصومین علیهم‌السلام مورد الهام خداوند قرار می‌گیرند و اگر چه وحی با رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پایان گرفت، ولی در موارد فراوانی به اهل بیت علیهم‌السلام الهاماتی شده و خواهد شد.

امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: هنگامی که خداوند اراده فرمود که امر ظهور را اظهار نماید، در قلب حضرت مهدی خطوط خواهد شد و ایشان به امر الهی قیام خواهد فرمود» (۱۱)

۲- آگاه شدن آن حضرت از طریق برافراشته شدن پرچم قیام.

در روایاتی چند اشاره شده که وقتی ظهور آن حضرت نزدیک شده وقت قیام فرا رسید، پرچمی که آن حضرت هنگام ظهور در دست

خواهد داشت، به اذن و اراده الهی برافراشته شده، آن حضرت از زمان قیام آگاه خواهد شد. (۱۲)

۳. آگاه شدن از طریق بیرون آمدن شمشیر از غلاف.

از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل است که فرمودند: و برای او شمشیری است در غلاف پس هنگامی که وقت ظهورش فرا رسید آن شمشیری از غلافش خارج می‌شود. پس آن شمشیر به سخن درآمده به حضرت می‌گوید خارج شو (قیام کن) ای ولی خدا! که دیگر نشستن در مقابل ستم دشمنان جایز نیست، پس او ظهور می‌کند... (۱۳)

در پایان ذکر این نکته خالی از فایده نیست که مخفی بودن زمان ظهور حضرت مهدی دارای حکمت‌هایی است فراوان که برخی از آنها عبارتند از: ۱- زنده نگه داشتن روح امید و انتظار در جامعه در طول غیبت حضرت مهدی (عج)، چرا که در صورت معلوم بودن زمان ظهور به کلی بحث انتظار با تمامی آثار تربیتی آن بی‌معنا خواهد بود.

۲- معنا پیدا کردن امتحان شیعیان در عصر غیبت، که در صورت مشخص بودن وقت ظهور دیگر امتحان و آزمایش شیعیان مفهومی نداشت و از این رو دائماً شیعه خود را در حال امتحان شدن می‌دانند.

۳- غافل گیر کردن مخالفان و دشمنان، چرا که یکی از حکمت‌های غیبت حضرت مهدی (عج) تلاش دشمنان برای نابودی آن حضرت بود. از این رو، روشن بودن زمان ظهور، دشمنان را برای مقابله و از بین بردن آن حضرت آماده می‌ساخت. در حالی که تا معلوم بودن و ناگهانی بودن زمان ظهور باعث غافلگیری دشمنان نیز خواهد شد.

والسلام

پی نوشت:

- ۱- سوره اعراف: آیه ۱۸۷.
- ۲- شیخ صدوق، عین اخبار الرضا انتشارات جهان، ج ۲، ص ۲۶۶.
- ۳- شیخ طوسی، کتاب الغیبة، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ص ۲۹۰.
- ۴- پیشین، ص ۳۹۵.
- ۵- شیخ صدوق، کمال الدین، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۵۲.
- ۶- کتاب الغیبة، ص ۱۵۹ و کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۴.
- ۷- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.
- ۸- شیخ صدوق، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ج ۲، ص ۳۶۴.
- ۹- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۳۰۰.
- ۱۰- همان ج ۴، ص ۳۳۳ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳.
- ۱۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳ و کتاب الغیبة، ص ۱۶۴.
- ۱۲- کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۵.
- ۱۳- کمال الدین، ج ۱، ص ۱۵۵ و با اندک تفاوتی علی بن محمد خزرجی، کفایة الاثر انتشارات بیدار، ص ۲۶۶.

اینها سر نوشت است نه سر گذشت...

مهدیه باقری

بیا بنشین! تویی که نمی‌شناسمت، تویی که هنوز نمی‌دانم کیستی؟ تویی که یک روز غروب بر حاشیه دلم قدم می‌گذاری و احساس حضور مرا قفلک می‌دهد. همه نوشته‌ها تو را گفته‌اند و همه کتاب‌ها تو را خوانده‌اند، ولی چشمتو تو را در خواب ندیده است. تو سرچشمه بهترین‌های عالم هستی، مرا خوب می‌شناسی، ولی من هنوز نمی‌شناسمت. تو را در لایه لای صفحات نمی‌توانم ببینم.

تو احساس گم من هستی که در روز جمعه، بر منطق احساس من جاری می‌شوی. هیچ می‌دانی، که من همانی هستم که هیچ‌گاه ندیدمت؛ چون حضور تو را حس کردم، ولی ظهور تو را هنوز نه، ولی حس غریبی به من می‌گوید که این قدر دلنگی نکن؛ یک پایه ظهور، حضور است و شاید وقتی حضور به توان ظهور برسد، دیگر دلت میان بودن یا نبودن مردد نشود. امروز که به اندازه تمام دلواپسی‌های نهج البلاغه در پاییز عاطفه‌های اهالی کوفه دلاشوره پیدا می‌کنم و نگاه در زیر باران غدیر خیس می‌شوم تا شیعه شوم، باز مهمان حضور تو می‌شوم. حضور تو آنقدر وسیع است که حتی در افق نگاه خزان زده غرب نیز می‌توان تو را فهمید نمی‌خواهم دلم را با چیزهای سر درگم، گرم کنم. شب‌ها که باران به احساس سبز شالی‌زاران قدم می‌گذارد و مترسک‌های لب جالیز، سرما را بخش می‌کنند و سر انگشتانم اقامتگاه پرندگان مهاجر می‌شود؛ تو نیز بر می‌گویی، دلم راضی نمی‌شود تو را لایه لای خطوط کتاب‌ها جستجو کنم. ردیای تو روی دل من است و جا پایت یخ ذهنم را آب کرده است. حالا برای من روشن روشن است که هیچ وقت خودم را اسیر حتمی و غیر حتمی نکنم. دلم می‌گوید تو می‌آیی، حتی اگر حتمی و غیر حتمی نباشد تو می‌آیی. بگو می‌آیی، می‌دانم. نه نمی‌گویی، اصلاً در دفتر حضور تو، ظهور تو و حک شده است. بگو راست می‌گویم. امروز مثل دیروز نیستم و فردا مثل امروز نخواهم بود؛ چون می‌دانم مرا می‌خوانی. سرنوشت من این است که منتظر بمانم و تو منتظر. باور کن هیچ تردیدی ندارم؛ زیرا همه سؤل‌هایم، همه نفس‌هایم، سرنوشت غدیری است که مرا شیعه ساخت و آغاز دلشورگی‌های مولایم علی علیه السلام شد. مولا جان، این‌ها سرگذشت نیست، این‌ها سرنوشت است، سرنوشت غربت و انتظار...